

نیما احمدپور

مقوله «ارتش شاهنشاهی» به مثابه یکی از مسائل مهم در فرآیند مواجهه با حکومت پهلوی دوم، همواره مورد توجه طیف‌های مختلف انقلابیون قرار داشته است. هم از این روی، بازخوانی نگاه تاریخی امام خمینی رهبر کبیر انقلاب به این نهاد و نحوه تعامل مواجهه ایشان با آن، از سرفصل‌های شاخص تاریخ پژوهی انقلاب اسلامی به شمار می‌رود. مقالی که پیش روی شماست، در صدد بازخوانی این نگاه و تعامل بوده است. امید آنکه تاریخ پژوهان انقلاب و عموم علاقه‌مندان را مقید و مقبول آید.

بی‌نیاز از تذکار است که امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی، همواره رژیم شاه را به دلیل وابستگی آن به قدرت‌های بزرگ و بیش از همه به امریکا، اسباب شرمساری ملت ایران می‌دانستند و در توجیه عدم مشروعیت سیاسی خاندان پهلوی همواره بر این وابستگی تأکید می‌کردند و معتقد بودند: «شاه ایران را زیر دست امریکا و غرب و طرفدار ظالمان و مستکبران کرده است»

پیشینه استیلاي بیگانگان بر ارتش ایران در آینه تاریخ در ۱۲ آبان ۱۳۲۲ در دولت سهیلی، قراردادی بین ایران و امریکا امضا شد که موجب آن هیئت مستشاری نظامی، مالی، نفتی، کشاورزی و بهداشتی وارد ایران شدند و پس از مدتی توانستند برای خود حق فعالیت مالیاتی و امتیازات ناشی از لایحه کاپیتولسیون را به دست آورند. بر اساس این لایحه، دادگاه‌های ایران حق نداشتند اتباع امریکایی‌ای را که در ایران مرتکب جرم می‌شدند محاکمه و مجازات کنند و آنان باید برای محاکمه به امریکا فرستاده می‌شدند. بسط بد امریکایی‌ها در ایران در اوایل دهه ۱۳۳۰ چنان وسع شد که وزیر مختار امریکا در تلگرامی به وزارت خارجه امریکا نوشت که به زودی عملاً اختیار اداره ایران را به دست خواهند گرفت.

با ورود مستشاران امریکایی به ایران، هم نفوذ اقتصادی و سیاسی امریکا در ایران تشدید شد، هم تجارت با آن کشور در سال ۱۳۲۴ به ۲۵ درصد رسید و هم مهم‌تر از همه حضور و نفوذ نظامیان امریکا در ارتش ایران به سرعت افزایش پیدا کرد، ایران عملاً به صورت پایگاه تسلیحاتی و نظامی امریکا درآمد و نظامیان ایران به صورت برده مستشاران امریکایی درآمدند. امام هرگز حاضر نبودند این ننگ را برای ارتش ایران بپذیرند و همواره نسبت به این وضعیت اعتراض می‌کردند. ایشان معتقد بودند شاه مطلقاً دست‌نشانده و مطیع امریکاست و با تأسیس پایگاه‌های نظامی در نقاط مختلف کشور، عملاً دست افسران امریکایی را در مداخله در امور ایران باز گذاشته و زمینه‌های غارت ثروت و مخازن کشور را برای امریکا فراهم آورده است.

■ **نگاه امام به ارتش از جنبه حفظ عزت ملی**
بدیهی است رژیم شاه برای ادامه حیات نتگین خوبی‌ش به ارتش شاهنشاهی تکیه زده بود، از همین رو امام خمینی به ارتش از نظر تلاش برای حفظ سلطنت و حاکمیت رژیم پهلوی به دیده تحقیر می‌نگریستند و ارتش شاهنشاهی را مولود ناخلف توافقی بین شاه و مستشاران امریکایی می‌دانستند. ایشان شاه را به دلیل دادن حق کاپیتولسیون به امریکایی‌ها به شدت سرزنش و عید آن سال را عزای عمومی اعلام کردند و خطاب به مردم هشدار دادند که شاه، ایران و عزت ملت ایران را زیر برد و عظمت ارتش را سرکوب کرد. ایشان در ماه‌های پایانی سلطنت شاه درباره ارتش به نکات مهمی اشاره کردند و فرمودند: «وقتی به ارتش نگاه می‌کنیم، ارتش است تحت فرمان مستشار های امریکا... ارتشی که استقلال ندارد. ارتشی که خودش نمی‌تواند کاری انجام بدهد. مستقل نیست. ۶ هزار مفت‌خور امریکایی به اسم مستشار آمده‌اند. اینکه چمن می‌کنند، من نمی‌دانم اما ارتش ما تحت نظر آنهاست، پس ما ارتش نداریم.»

امام جایی‌ای ارتش از مردم ملت را بزرگ‌ترین نقطه ضعف ارتش شاهنشاهی می‌دانستند و معتقد بودند: «رژیم‌های غیراسلامی، ارتش از ملت جداست و با جدا بودن ارتش از ملت و دولت از ملت و رژیم‌ها از ملت، رژیم‌ها متزلزل هستند و نمی‌توانند استقلال خود را حفظ کنند و در مقابل اجاب پایدار باشند.»

■ **امام و تلاش برای ارتقای ارتش به جایگاه ملی**
در حکومت استبدادی پهلوی‌ها، ارتش ملی معنا نداشت، زیرا تنها وظیفه ارتش حفظ تخت و تاج بود و شاه افسران را در چه‌داران را از مردم عادی جدا کرده بود، به‌مانند که محمد زشاه برای شخصیت‌انسانی افسران ارتش خود به اندازه سگ دنامارکی‌اش هم ارزش قائل نبود و فقط با دادن امتیازات خاصی به آنها سعی می‌کرد از وفاداری‌شان اطمینان حاصل کند. برخلاف شاه، امام استقلال نظامی ایران و عزت و کرامت افسران و کارکنان ارتش را تنها در گرو بیرون کردن مستشاران امریکایی و نوکران بی‌چیره و مواجب آنها و برچیده شدن پایگاه‌های نظامی امریکا از ایران و امتناع از خرید تسلیحات از غرب می‌دانستند.

امام با افضای چهره خشن و وحشی ساواک و برعکس کردن جنایت‌های آن، در واقع چهره واقعی رژیم را به مردم نشان می‌دادند. ساواک در دوران فعالیت خود صدها تن از مخالفان رژیم را به قبیح‌ترین وجه از بین برد و عده زیادی را اعدام کرد. هرگز آمار دقیقی از افرادی که زیر شکنجه‌های هولناک ساواک از بین رفتند و یا مفقود شدند به دست نیامد اما تخمین‌های تقریبی، از قربانی شدن صدها نفر حکایت دارد، علاوه بر اینکه قتل‌های مشکوکی هم به دست ساواک اتفاق افتاد. شاه غیر از تبعیض بین افسران و درچه‌داران، نیروهای نظامی مختلف چون شهرنایی، نیروی زمینی، گارد ویژه و نیروی هوایی و دریایی را هم به یک چشم نمی‌دید و برای افراد گارد ویژه محافظت از خود امتیازات فراوانی را قائل می‌شد. امام که به خوبی از این نابرابری‌ها و نازناضیاتی‌های درون ارتش آگاه بودند، با تحقیر افسران و سران نظامی، از بدنه ارتش خواستند به صفوف مردم و انقلابیون بپیوندند و خود را از زیر یوغ مستمگان برهانند. ایشان معتقد بودند افراد متدین و باوجدان در بدنه ارتش کم نیستند که نمی‌خواهند مرتکب جنایت علیه مردم شوند. بعضی از ارتشی‌های مسلمان و مؤمن حتی حاضر بودند با کشتن



امام خمینی و نحوه مواجهه با ارتش شاهنشاهی در فرآیند انقلاب اسلامی

رهبر انقلاب ارتش و راهبرد «قلب و گل»

شاه، زندگی خود را به خطر بیندازد. امام با آگاهی از این فضا و سابقه ارتش در ماه‌های آخر سلطنت شاه و مخصوصاً پس از فرار او، از افسران و درچه‌داران خواستند از او امر فرماندهان خود سرپیچی کنند و از ایران، نفس راحتی کشیدند و به سرعت به مردم پیوستند. آنان ترجیح می‌دادند به جای فرمانبرداری از شاه غارتگر و ظالم و خودباخته در برابر بیگانگان، از مرجعی روحانی پیروی کنند که همه زندگی او گواه صادقی بر دلسوزی به حال مردم و تصمیم برای بالا بردن شأن ملت و از بین بردن یوغ بندگی از گلوگاه بدن مسلمان ایران بود.

■ **امام و بی‌اعتنایی محض به اخطارهای سران ارتش**
یکی از شیوه‌های مدیریتی هوشمندانه و درخشان امام در ماه‌های آخر سلطنت محمدرشاه‌بی‌اعتنایی محض ایشان به حکومت نظامی‌ها و اخطارها و تهدیدهای رژیم بود. شاه پس از اینکه نتوانست به مدد فریبکاری‌های شریف‌امامی، مردم را از میدان مبارزه بدر کند، به آخرین حربه خود یعنی برقراری حکومت نظامی در شهرهای بزرگ متوسل شد اما پس از پیام هشتم ماده‌ای امام در اول ماه رمضان، شهرهای مختلف ایران، به خصوص اصفهان و شیراز صحنه درگیری‌های خونین مأموران رژیم با مردم شد. دولت آموزگار در ۲۵ مرداد ۵۷ در اصفهان، نجف‌آباد، همایونشهر و شهرضا اعلام حکومت نظامی و سرلشکر رضا ناجی را به فرمانداری نظامی اصفهان منصوب کرد. پس از راهپیمایی عظیم مردم تهران، فرماندهان نظامی، شاه را متقاعد کردند که در تهران هم حکومت نظامی اعلام شود. شاه پس از مشورت با سفرای امریکا و انگلستان، پیشنهاد سران ارتش را قبول و در تهران اعلام حکومت نظامی کرد و ارتشید او سعی را که در سرکوب قیام سال ۴۲ به «قصاب ایران» معروف شده بود، فرمانده نظامی پایتخت کرد.

قیام خونین مردم در ۱۷ شهریور در میدان ژاله (شهدا) در واقع مشت محکمی بر دهان پایه‌گویان حکومت نظامی بود. امام اعلام حکومت نظامی در شهرهای بزرگ را مهم‌ترین نشانه فقدان پایگاه مردمی شاه در میان ملت دانستند و پس از سقوط دولت شریف‌امامی اعلام کردند که شکست حکومت نظامی نشانه پیروزی ملت بر مسلسل و اراده آهنین ملت بر توپ و تانک است. ایشان در آستانه روی کار آمدن دولت نظامی ازهارای اعلام کردند که با سرنیزه و حکومت نظامی



۱۳۵۸ ق.م. امام خمینی در حاشیه دیدار با برخی از خطبایان ارتش جمهوری اسلامی

پیش‌خوابی

مروری بر اسناد زندگی اداری صادق هدایت در آینه یک اثر نوانتشار

«نیمه پنهان» نویسنده افسرده!

شاهد توحیدی



شاید بتوان ادعا کرد رویدادهایی که در زندگی هر یک از نخبگان فرهنگی، سیاسی، ورزشی و... اتفاق می‌افتد، می‌تواند سمت و سوی زندگی و حتی مرگ و را تعیین کند. هم از این روی در شناخت صحیح و واقع‌بینانه این جماعت، باید به درستی زندگی آنان را بازخواند و فراز و فرودهای آن را شناخت. صادق هدایت به عنوان نویسنده‌ای که در تاریخ ادبیات و فرهنگ این کشور نامی یافته، از این قاعده مستثنی نیست و رفتار فردی و اجتماعی و ایضاً زمینه‌های خودکشی‌ای که او را به عالم دیگر برد نیز به همین شیوه درخور خوانش است. چندی پیش جهانگیر هدایت فرزند عیسی هدایت و برادرزاده صادق هدایت، اقدام به انتشار اسناد زندگی اداری وی کرد که به سهم خود، می‌تواند در شناخت بیشتر این چهره ادبی معاصر مؤثر باشد. گردآورنده این اثر در مقدمه خود بر این مجموعه، در باب اهمیت این اسناد و چند و چون تدوین آن چنین آورده است: «هر انسانی در زندگی خود یک چهره اداری نیز دارد. چهره اداری انسان از نخستین فریادی که پس از تولد می‌کشد، آغاز می‌شود. روی او اسمی می‌نهند، پدر و مادرش را معلوم می‌کنند، به او یک شماره شناسنامه می‌دهند و از همین جا داستانی آغاز می‌شود که تا مرگ و حتی پس از مرگش ادامه می‌یابد. صادق هدایت نیز از این قاعده مستثنی نبود و زندگی اداری او هنوز هم ادامه دارد. در کتاب حاضر

در واقع این کتاب دارای سه بخش اصلی است. ابتدا اسناد و مدارک و شرح ماقوع در ایام حیات صادق هدایت تا سال ۱۳۲۰ خورشیدی می‌باشد. بخش دیگر شامل آن می‌شود که از سال ۱۳۲۱ خورشیدی اتفاق افتاده و تا سال ۱۳۵۷ خورشیدی ادامه داشته که به طور مستند و مفصل در این کتاب آمده است. به علت حجم شرح ماجراها و اسناد و مدارک، این کتاب در دو جلد ارائه خواهد شد. البته هر جلد کاملاً مستقل می‌باشد. جلد نخست دربرگیرنده بخش اول و دوم است و جلد دوم به چیزی اختصاص خواهد یافت که پس از انقلاب اسلامی، از سال ۱۳۵۷ خورشیدی درباره صادق هدایت و آثار و دیگر امور مربوط به او رخ داده است.»

جهانگیر هدایت در ادامه مقدمه نویسی خود بر این اثر، برای آشنا کردن مخاطب اثر با «نیمه پنهان» صادق هدایت، ترجیح می‌دهد تا شمه‌ای از زندگی او را بازگوید و میزان اسناد اداری و غیراداری‌ای که از هر دوره از این زندگی بر جای مانده گزارش کند. او در این باره چنین می‌نویسد: «متأسفانه از زندگی صادق هدایت در زمان حیات او مدارک زیادی در دسترس بازماندگان او نمی‌باشد. برای آنکه مفهوم همین مدارک در باقی مانده روشن شوند، چاره‌ای جز این نیست که به شرح زندگی و احوال او بپردازم، و در خلال این سرگذشت، اسناد و مدارک هر مرحله از زندگی او را ارائه دهم.

صادق هدایت، روز سه‌شنبه ۲۸ بهمن ۱۳۸۱ خورشیدی در تهران تولد یافت. پدرش هدایت‌قلی‌خان هدایت (اعتضادالملک) و مادرش خانم عذرا زبورالملوک هدایت بودند. هدایت‌قلی‌خان پسر نیرالملک و زبورالملوک دختر حسین‌قلی‌خان مخبرالدوله از نوادگان رضاقلی‌خان هدایت،



کالبد صادق هدایت پس از خودکشی در پاریس که به اتاق خواب وی انتقال یافته است!

بیشتر زندگی اداری او پس از مرگ آمده است؛ چون علاوه بر آنکه نگارنده دقیقاً در جریان بسیاری از این امور بودام بلکه اسناد و مدارکی در دست است که مبین حوادث و وقایع اداری زندگی صادق هدایت است. به همین مناسبت زندگی اداری او را در دو بخش شرح می‌دهم که ابتدا بخش مربوط به زمان حاضر است. در این کتاب سعی کرده‌ام حقایق را فقط براساس مدارک و اطلاعات موجود بنگارم. البته مسواری از آنچه آمده است، زاییده مطالبی می‌باشد که بازماندگان صادق هدایت به‌ویژه پدرش هدایت‌قلی‌خان، برادرانش عیسی و محمود اظهار داشته، یا در بعضی یادداشت‌ها و دفترها و غیره نوشته‌اند. البته بعضی برخوردها و تجربیات نگارنده با کسانی که در این کتاب نام برده می‌شوند، بر مبنای بعضی اظهارنظرها می‌باشد. شکی نیست که در این کتاب مطالب این اسناد و مدارکی که آمده، امکان دارد به مذاق عده‌ای خوش نیاید، ولی نگارنده که سعی کرده‌ام یک کار تحقیقی ارائه دهم، نمی‌توانم به خاطر رنجش این و آن حقایق را کتمان کنم و پسرده را بالا نزنم. اصل مدارکی که عنوان می‌شوند، موجود است و جای شک و شبهه‌ای وجود ندارد که این اتفاقات و حوادث در زندگی اداری صادق هدایت پیش آمده و چون قصد نگارنده بر آن است که هر آنچه از صادق هدایت باقی مانده برای اطلاع همه چاپ و منتشر شود، این اطلاعات نیز به صورت واقعی و بدون کوچک‌ترین تغییری در کتاب حاضر آمده است. بدیهی است اگر کسانی بپشتری دارند که مکمل این اطلاعات یا ناقص آنهاست، بسیار متشکر می‌شوم نگارنده را آگاه سازند ولی اظهارنظرها درباره اسناد و مدارک مثبتی که موجود است برای اظهارکننده فقط می‌تواند جنبه شخصی داشته باشد و برای نگارنده نمی‌تواند مبنای مستند داشته باشد.

ملک‌الشعرا بودند. صادق هدایت دو برادر داشت: عیسی و محمود، و دو خواهر، اخترالملوک و اشرف‌الملوک از او بزرگ‌تر بودند ولی او را هم اشرف‌الملوک خواهر سوم، از او کوچک‌تر بود. صادق هدایت دوران کودکی را در خانه پدری سپری کرد و در سال ۱۲۸۷ خورشیدی وارد مدرسه علمیه شد و دوره ابتدایی خود را در این مدرسه گذراند. از این ایام ما اسناد و مدارکی از او در دست نداریم. در سال ۱۲۹۳ خورشیدی وارد مدرسه دارالفنون می‌شود و دوره اول دبیرستان را در این مدرسه طی می‌کند. ناراحتی چشم شده و نمی‌تواند تحصیلات خود را ادامه دهد، بعد در سال ۱۲۹۶ خورشیدی فارغ‌التحصیل می‌شود. در دوم شهریور ۱۳۰۵ صادق هدایت به همراه ۱۱۰ نفر از دیگر شاگردان برای ادامه تحصیلات عالی به بلژیک اعزام می‌شود. چند ماهی در بلژیک در شهر گان در دانشگاه این شهر به تحصیل در رشته «ریاضیات محض» می‌پردازد ولی از اوضاع و احوال شهر، دانشگاه و رشته تحصیلی اظهار ناراحتی و بی‌علاقگی کرده و سرانجام در ۳ اسفند ۱۳۰۵ خورشیدی به پاریس انتقال یافته و قرار می‌شود تحصیلات خود را در این شهر ادامه دهد. از زندگی اداری صادق هدایت در ایام اقامت در پاریس اسناد موجود است. در دست نیست، فقط از مکاتباتی که با پدرش و برادرهایش داشته، می‌دانیم بر او چه گذشته است. سرانجام در سال ۱۳۰۹ خورشیدی از ادامه تحصیلات در فرانسه منصرف شده به ایران مراجعت می‌کند. از این تاریخ اغلب احکام و مکاتبات صادق هدایت موجود است که هر یک به نوبه خود ارائه می‌شود.»